الجزو العاشر

وان تولوا فاعلموا ان الله مولىكم نعم المولى ونعم النصير • واعلموا

واگر برگردند پس بدانید بدرستیکه خدا یار شماست نیکو یار است و نیکو یاری دهنده و بدانید

انما غنمتم من شيء فان لله خمسه وللرسول ولذي القربى واليتامى

اگه غنیمت گرفتید از هر چیزی پس بدرستیکه مر خدایراست پنجیک و مر رسول را و مر خداوندان خویش را و یتیمان

والمساكين وابن السبيل • ان كنتم امنتم بالله وما انزلنا على عبدنا

و بیچارگان و راه گذاران اگر باشید که ایمان آرید بخدا وانچه فرستادیم بر بنده ما

يوم الفرقان يوم التقى الجمعان والله على كل شيء قدير • اذ انتم بالعدوة

روز جدا کردن روزی که او بر دو گروه رسیدند و خدا بر همه چیز توانا است و آنگه بودید شما بکنار رود

الدنيا وهم بالعدوة القصوى والركب اسفل منكم ولو تواعدتم لا

و کفار بودند بکناره دور و سوار کفار پایین تر از شما بودند و اگر وعده میکردید هر آینه

اختلفتم في الميعاد ولكن ليقضي الله امرا كان مفعولا • ليهلك من

اختلاف میکردید در وعده گاه ولکن حکم کند خدا کاری را بایستی کرده شدا تا هلاک کند کسرا

هلك عن بينة ويحيى من حي عن بينة وان الله لسميع عليم • اذ

که هلاک شد از حجت روشن و زنده شد هرکه زنده باشد از حجت روشن بدرستیکه خدا شنوا و داناست و چون

يريكهم الله في منامك قليلا ولو اريكهم كثيرا لفشلتم ولتنازعتم

بنمود کفار را خدا در خواب تو اندک و اگر بنمود ایشانرا بسیار هر آینه بددل و هر آینه تنازعه میکردید

في الامر ولكن الله سلم انه عليم بذات الصدور • واذ يريكموهم اذ

در کار ولکن خدا سلامت داشت بدرستیکه خدا داناست بدرون سینها و چون بنمود شما را چون

التقيتم في اعينكم قليلا ويقللكم في اعينهم ليقضي الله امرا كان مفعولا

ملاقات میکنید در چشمهای شما اندک و اندک نمود شما را در چشمهای ایشان تا حکم کند خدا کاری را که بایستی کرده شدا

والى الله ترجع الامور • يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم فئة فاثبتوا

و سوی خدا بازگشت کارها ای کسانیکه ایمان آورده اید چون برخورید شما لشکریرا پس ثابت دارید

واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون • واطيعوا الله ورسوله ولا

و یاد کنید خدایرا بسیار شاید شما رستگار شوید و فرمان برید خدایرا و رسول اورا و

تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم واصبروا ان الله مع الصابرين •

نزاع مکنید پس بددل شوید و برود باد شما و صبر کنید بدرستیکه خدا با صابران

ولا تكونوا كالذين خرجوا من ديارهم بطرا ورئاء الناس ويصدون

و مباشید مانند آنانکه بیرون رفتند از خانهای ایشان از روی سرکشی و نمایش خلق و باز میداشتند

97-445-176

قوله تعالی واذ زین لهم الآیه آورده اند که چون قریش از مکه بیرون آمدند بجانب بدر شیطان با چند نفر از جن رفاقت ایشان میکردند
و قریش را با جماعت بنی کنانه چون از کینه ای بود چون قریش از آنجا حاجت هراسان آمدند نگران بجنگ بدر میرفتند شیطان بصورت سراقه ابن مالک
که بزرگ کنانه بود در آمد گفت غم مخورید من شما را یار و مددکارم و رعایت رفاقت مینمایند حتی تعم از آن خبر رسیده التقای فریقین کرد شیطان دید

عن سبيل الله والله بما يعملون محيط ۝ واذ زين لهم الشيطان
از راه خدا و خدا بآنچه میکنند احاطه کننده و چون زینت کرد برای ایشان شیطان

اعمالهم وقال لا غالب لكم اليوم من الناس واني جار لكم فلما تراءت
کردارهای ایشان را و گفت که غالب نمیشود مر شما را امروز از اهل اسلام بدرستیکه یاری کننده ام شما را پس چون دیدند

الفئتان نكص على عقبيه وقال اني بريء منكم اني ارى ما لا ترون
آن دو گروه بازگشت بر دو پاشنه خود و گفت که من بیزارم از شما بدرستیکه من می بینم آنکه نمی بینید

اني اخاف الله والله شديد العقاب ۝ اذ يقول المنافقون والذين
که من میترسم از خدا و خدا سخت عقوبت کننده است یاد کن چون گویند منافقان و آنانکه

في قلوبهم مرض غر هؤلاء دينهم ومن يتوكل على الله فان الله عزيز
در دلهای ایشان بیماری است بفریفته این گروه را دین ایشان و هر که توکل کند بر خدا پس بدرستیکه خدا غالب

حكيم ۝ ولو ترى اذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم
و حکمت کار است و اگر ببینی وقتی که میبرانند آنانکه کافرند ملائکه عذاب میزنند رویهای ایشان را

وادبارهم وذوقوا عذاب الحريق ۝ ذلك بما قدمت ايديكم وان الله
و پشتهای ایشان را و گویند بچشید عذاب سوزان این عذاب بآنست که پیش داشت دستهای شما بدرستیکه خدا

ليس بظلام للعبيد ۝ كداب آل فرعون والذين من قبلهم كفروا بآيات
نیست ستم کننده مر بندگان را مثل عادت پیروان فرعون و آنانکه پیش از ایشان کافر شدند بآیات

الله فاخذهم الله بذنوبهم ان الله قوي شديد العقاب ۝ ذلك
خدا پس گرفت ایشان را خدا بگناهان ایشان بدرستیکه خدا توانا است و سخت عقوبت است اینست

بان الله لم يك مغيرا نعمة انعمها على قوم حتى يغيروا ما بانفسهم
بآنکه خدا نیست گرداننده نعمتی را که انعام کرده است آنرا بر گروهی تا تغییر کنند آنچه در نفسهای ایشان است

وان الله سميع عليم ۝ كداب آل فرعون والذين من قبلهم كذبوا
بدرستیکه خدا شنوا و داناست مانند طریقه قوم فرعون و آنانکه پیش از ایشان تکذیب کرده اند

بآيات ربهم فاهلكناهم بذنوبهم واغرقنا آل فرعون وكل كانوا
آیات پروردگار خویش پس هلاک کردیم ایشان را بگناهان ایشان و غرق کردیم آل فرعون را و همه بوده اند

ظالمين ۝ ان شر الدواب عند الله الذين كفروا فهم لا يؤمنون
ستمکاران بدرستیکه بدترین حرکت کنندگان نزد خدا آنانند که کافر شدند پس ایشان نمیگروند

الذين عاهدت منهم ثم ينقضون عهدهم في كل مرة وهم لا يتقون
آنانکه عهد بستی تو از ایشان پس میشکنند عهد ایشان را در هر بار و ایشان نمیترسند

ملائکه را با سپهسالاری حق و دهان
ایشان را سرخ کرده بوده اند
دیدار مومنان آمدند ابلیس از ایشان
سدید رو بفرار نهاد و در آن
دم دست شیطان بدست حارث
ابن هشام بود چون ملائکه را
بدید بگریخت حارث گفت
ای سراقه ما را در چنین حال
میگذاری و کجا میروی ابلیس
دست بر سینه او زد و گفت
ای بیعاقبت من بیزارم از کردار
ناصواب شما که خدا شناسی
آخر بعد او سو میگذارد
ادبت تو
جز را
ز انتقام
خدا
نام
مینمایم من ترسم از خدا که
مالک الملک مطلق است و من
می بینم آنچه شما
نمی بینند
والسلام
منه

فلما

که شما ملاقات
کاروان را دوست میدارید
یا مقاتل کاروان را بعضی
گفته اند که ما بکرب آمده ایم
و اگر کاروان بدست افتد
نه بسیار شنیدیم لام از این جهت
متغیر شد و کبار مهاجر و انصار
حرب را اختیار کردند آنحضرت
فرمود که با کشتن
که قوم نظر
سلیمون آن
داد که
ابوجهل
را
در فلان موضع کشته
و آنجا ابن عتبه در فلان جا
و ابن عتبه را بدین قریش را این قیاس
و آنحضرت هر چه فرمود یک قدم
تخلف نفرموده بود ایشان بر منصم
پیغمبر خود را
متغیر باید
که قوم نزا
موضع
نداز
که منصفانه که کفرات
والسلام

الفتح وان تنتهوا فهو خير لكم وان تعودوا نعد ولن تغني عنكم فئتكم
کن ایشان و اگر باز ایستید پس آن بهتر است مر شما را و اگر باز آیید باز آییم و هرگز باز ندارد از شما لشکر شما

شيئا ولو كثرت وان الله مع المؤمنين ● يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله
چیزی را و اگر بسیار باشند و بدرستیکه خدا با مومنانست ای آنانکه گرویدید فرمان برید خدای را

ورسوله ولا تولوا عنه وانتم تسمعون ● ولا تكونوا كالذين قالوا سمعنا
و فرستاده خدای را و برمگردید از خدا و شما میشنوید و مباشید مانند آنانکه گفتند شنیدیم ما

وهم لا يسمعون ● ان شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون
و ایشان نمی شنوند بدرستیکه بدترین حرکت کنندگان نزد خدا کرانند و لالانند آنانکه تعقل نمیکنند

ولو علم الله فيهم خيرا لاسمعهم ولو اسمعهم لتولوا وهم معرضون ● يا ايها
و اگر دانستی خدا در ایشان نیکی هرآینه شنوانیدی ایشانرا و اگر شنوانیدی ایشانرا هرآینه برگردیدندی و ایشان برگردانندگانند ای

الذين امنوا استجيبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم واعلموا ان الله
آنانکه گرویدید اجابت کنید مر خدا را و فرستاده او را چون خواند شما را بچیزی که زنده کند شما را و بدانید که خدا

يحول بين المرء وقلبه وانه اليه تحشرون ● واتقوا فتنة لا تصيبن
حایل میشود میان مرد و دل او و بدرستیکه بسوی او محشور خواهید شد و بپرهیزید از گناهی که نرسد

الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب ● واذكروا
آنانکه ستم کردند از شما خاصه و بدانید بدرستیکه خدا سخت عقوبت کننده است و یاد کنید

اذ انتم قليل مستضعفون في الارض تخافون ان يتخطفكم الناس فا
وقتیکه شما اندک بودید بیچارگان در زمین میترسیدید که بربایند شما را مردمان پس

ويكم وايدكم بنصره ورزقكم من الطيبات لعلكم تشكرون ● يا ايها الذين
جای داد شما را و یاری کرد شما را و روزی داد شما را از پاکیزها شاید که شما شکر کنید ای گروه آنانکه

امنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا اماناتكم وانتم تعلمون ● واعلموا
گرویدید خیانت مکنید با خدا و پیغمبر و خیانت مکنید در امانات شما و شما میدانید و بدانید

انما اموالكم واولادكم فتنة وان الله عنده اجر عظيم ● يا ايها الذين
که مالهای شما و فرزندان شما آزمایش اند و آنکه خدا نزد اوست مزد بزرگ ای آنانکه

امنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ويكفر عنكم سياتكم ويغفر لكم و
گرویده اید اگر بپرهیزید خدای را بگرداند شما را تمییزی و بپوشاند از شما بدیهای شما را و بیامرزد برای شما

الله ذو الفضل العظيم ● واذ يمكر بك الذين كفروا ليثبتوك او يقتلوك
و خدا خداوند افزونی بزرگ است و چون چاره کردند بتو آنانکه کافر شدند تا حبس کنند ترا یا بکشند ترا

97-445-177

أو يخرجوك ويمكرون ويمكر الله والله خير الماكرين • وإذا تتلى

يا بيرون كنند ترا ودچاره كردند وچاره كرد خدا وخدا بهترين چاره كنندگانست وچون خوانده

عليهم آياتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أساطير

بر ايشان آيات ما گويند تحقيق شنيديم ما اگر خواهيم هر آينه بگوييم مثل اين قرآن نيست اين قرآن مگر افسانه

الأولين • وإذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا

پيشينيان وچون گفتند بار خدايا اگر هست اين قرآن او راست از نزد تو پس بباران بر ما

حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب أليم • وما كان الله ليعذبهم وأنت

سنگ از آسمان يا بيار بما عذاب دردناك ونبود خدا تا عذاب كند ايشان را وتو

فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون • وما لهم ألا يعذبهم الله

در ايشان ونباشد خدا عذاب كننده ايشان وايشان استغفار ميكنند وچيست ايشان را كه عذاب نكند ايشانرا خدا

وهم يصدون عن المسجد الحرام وما كانوا أولياءه إن أولياؤه إلا المتقون

وايشان باز ميدارند مؤمنان را از مسجد الحرام ونبودند دوستان خدا نيستند دوستان او مگر پرهيزگاران

ولكن أكثرهم لا يعلمون • وما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء وتصدية

ولكن بيشتر ايشان نميدانند ونيست دعاى مشركان نزديك بيت الحرام مگر صفير زدن ودست زدن

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون • إن الذين كفروا ينفقون أموالهم

پس بچشيد عذاب را باآنچه هستيد كافران بدرستيكه آنانكه كافرند نفقه ميكنند مالهاى خودرا

ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها ثم تكون عليهم حسرة ثم يغلبون

تا باز دارند مردمان را از راه خدا پس زود نفقه كنند او را پس باشد بر ايشان ندامت پس شكسته كرده شوند

والذين كفروا إلى جهنم يحشرون • ليميز الله الخبيث من الطيب ويجعل

وآنانكه كافرند بسوى جهنم گرد آورده شوند تا جدا كند خدا ناپاك را از پاك وميگرداند

الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم أولئك هم

ناپاك را بعضى آنرا بر بعض پس هم جمع همه را پس ميگرداند او را در جهنم آن گروه ايشان

الخاسرون • قل للذين كفروا إن ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف وإن

زيان كارانند بگو مر آنانرا كه كافرند اگر باز ايستند مى آمرزد مر ايشانرا تحقيق گذشته است واگر

يعودوا فقد مضت سنة الأولين • وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة

باز آيند پس بتحقيق گذشته است طريقه پيشينيان وكارزار كنيد با كفار تا وقتيكه نباشد فتنه

ويكون الدين كله لله فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير •

وباشد دين همه مر خدا راست پس اگر باز ايستند پس بدرستيكه خدا باآنچه ميكنند بيناست

قوله تعالى
وإذ قالوا اللهم الآية
از ابو ذر غفارى نقل است كه
حضرت رسالت پناه روزى
در مسجد الحرام نزديك بيت الله
زمزم نشسته بود كه ناگاه نعمان
ابن حارث اندر در آمد وگفت
اى محمد ما را منع كردى از بت
پرستى قبول كرديم وفرمودى
كه باز گشتن وكلمه لا اله الا الله
محمد رسول الله قبول كرديم صلوة
وزكوة فرمودى قبول كرديم وراى
اينها طفلى آوردى واو را ترجيح
[illegible] بزرگان وابنى از نوات
يا از جانب ديگر
[illegible]
حضرت فرمود كه من هرگز بى فرمان
خدا كارى نكنم ونعمان
گفت اين اگر از جانب خدا است
خدا بفرستد سنگى بر سر نعمان
هلاك گرداند واگر از جانب تو است
[illegible]
[illegible]
پس خدا تعالى هلاك
كند پس اين
آيه نازل شد
[illegible]
سنگ از آسمان نازل شد وبر كله
او [illegible]

وان